مطالعه اشکال مرطوب لیشمینوز جلدی

نگارش
دکتر انصاری و
 استادکری اینکل مشاتیه دانشکده پزشکی
در ۱۹۴۸ یافته دکتر ابتوجی طبیب نظامی ناجیه گران، ظهور یک نوع
مرض جلدی را در بین افراد نظامی سرد ایران در وسیله ها و مواد مسلول بهداشت
ارتش رسانید.

در پاسخ و واکنش تا آن زمان عقاید مختلفی اظهار کردن. البته یک هشتیت
پزشکی نظامی نیز برای مطالعه امر بگر گان رهسپار شد.

در ۱۹۴۹ تیم‌های سرآیند دکتر پارسا و همکاران ایرانی به مدت ۸ هفته و ۴ نفر مطالعه
بیماران را بهرامن فرستاده و برای پست آوردن تشخیص ابتوجی او قرار گرفته و ۴ فوریت
در ابتدا امر بنظر مرسید که آزارهای پوستی مزبور اپیدمی زیادی و احتمال گردید.
و در بررسی از هر شرح بیمار آزمایش های زیر یعنی کشت خونی بهترین یا بهترین
هوایی در دو بگوشت و پلول خون دارد و زلوز معمولی و کشت حاصله از
زخمها در روی معمول ها و غیره و هوازی و محيط سابور و و روند
و اسپزیسیی گلیسرین دارد و زلوز گلیسرین دارد و همان اولویت
و بزل گوهی یخو که هندی و موس و کر خوش از راه جلدی و زری لدم و داخل
صفا قیت تلقیح گردید.

در آزمایش موادی که از بزل بهدت آمد بود و ترشحات زخمی لیشمینا
بطور نادر در پنج بیمار بود و لی در مرض شمسی که از لحاظ بالینی شیب ایگر خان
بود مشاهده نگردید. کشت N.N: ن. برای چهارنفر از این بیماران مثبت بود.

وسیع هایی که با مواد بزل شده تلقیح گردیده بودند نیز ۴-۷ تا ۳۷ روز پس از تلقیح
مبتلا گردیدند ولی سایر آزمایشها بی نتیجه ماند و فقط در پنج لوله کشت شده با
ترشحات زخمها کولونی های اسپزیسیی که ۱۰ سیلیس شریخته بود. بگون در نتیج
بیمار جسم لیشمین با آزمایش مستقیم و ایجاد کش و تلقیح به موش مشاهده گردید.
لبردا معلوم می‌شود که بیماری مزبور یک نوع لیشمانیای جلده با خواص بالینی مخصوص و غیرمعمول فلات ایران می‌باشد. از آنجائیکه شرح حال مفصل این بیماران بر سیستم همکاران نظامی مانوخته شده است (1) لبردا مافق نکات زیرا بطور مختصر شرح می‌دهیم:

جایی بین علائم نزد این بیماران متعدد و پراکنده بودن آزارها با اشکال مختلف (پلاک مریسم) و انتشار مختلفی میباشد (روی ساق پا 5 زخم، در ناحیه کور 4 زخم، آنژیچ، صورت 3، پا 3، گردن 2 زخم، تن 2 زخم، ران 1 زخم).

آزارها بصورت مختلف: در یک بیمار واحد زخم‌های عضیق - پاپول - تور کول تورم با ندول‌های لنفاوی همچنین آزار های زخم نشده، بهین - یکچنین پسوراییس و نیز آزارهای اکستراسپویی و لوپوسی شکل مشاهده گردید. نزد عدایی‌ای زخم‌های عضیق و دارای کناره‌های بیده باره‌بوده با هاله‌‌ای متورم محرک و قاعدگی خون پرگیر شکل بود. در حالیکه نزد عدایی دیگر زخم‌های برخی از زخم‌ها در بخش داخلی و خارجی یک شکل بود. خاصیت از زخم در است و شکل گم‌های سیفیلیسی و لوپوسی به‌وجود می‌گردد و زمانی به از 2-3 هفته‌های خشخاشی که هیچ ارتباط لنفاوی باز یافته‌ای قبیل نداشته‌اند در تزئین‌های دور به‌دلار ظاهر می‌گردد.

دوره کمون این شکل لیشمانیوز بر عکس اشکال اولیه و نکاتی نیز ایران خیلی کوتاه است.

در باب تریلیک یک بیمار یک دوره کمون دی روزه بسته‌که بنظر می‌رسد نزدیک به حداقل کمون یک بیماری باشد. مرض با یک پا بول اریتماتونی شروع میشود که بعلت وجود مرد محرک اطراف علی‌البدل دارد بی‌روی قسمت مرکزی آن نازک و براق گرده و برخی از مشی سیار بسته سالک معمولی پس از چند روز بر مزغم میشود. عروق لنفاوی اطراف آن نیز چاپ شده و گره‌های لنفاوی به‌خوبی قابل لمس بوده و در اغلب نقاط مسرد خود دارای ندماهایی برذگی یک نخود کوچک تا یک گردود بزرگ میباشد.

1- شماره هفتم سال هفتم نامه دانشکده پزشکی فروردین ماه 1329
از لحاظ ابیدیمولاری مرضی اقتصادی علوم کلاسیک جلدها ابتدای بهار شروع
و تا آخر پاییز ادامه دارد.
گند اینکه واکنش لنفاوی در لیپما نیوز کلاسیک جلدها می‌کنند است و بر
داشت باشند ولی هیچ‌گونه مختلف و معلوی بوده و میلی به‌گونه‌ی شنی نداشته و معمولاً غیر
از آزار اولیه بندتر پاپولهای ثانوی تشکیل می‌شده.

آزمایش‌های میکروسکوپی ترشحات زخم‌ها و یا مایع در ویروپلاسم بزل‌نودهای
لنفاوی دارای خواص زیر می‌باشند:

واکنش سطحی سلول‌های ما کرونازیک - زیاد بودن مونوسیت - پلاسموئیت
لنفوسیت و سلول‌های هیستوسیر - اگر زخم به‌طور ناتوانی که می‌شود به برخالاف سلول‌های ما کرونازیک کنن
مقدار زیادی پلاک و کثیر نیز دیده می‌شود که برخالاف سلول‌های ما کرونازیک که
دارای هسته‌های حجمی می‌باشند و در حال ازهم باشند و ازین رنگن بود
لذا چنانکه دیده می‌شود برخالاف سلول‌ها بحلوقی پلاکی نو کلرها در این‌چنین دفع
بر ضد انگل سهم مهمی دارا می‌باشند بطوریکه در اغلب قطعات پلاکی نو کلر های
وجود دارد که در داخل آنها ندرتاً ایشمانیا سالم و معمولاً بقا بر آن ماندگار
و بالاست و هسته‌های ایشمانیا دیده می‌شود.

معمولای ایشمانیا تروپیکا در ما کرونازیک برندگی خود ادامه داده و ازدیداد
حاصل می‌کند. ولی در اینجا مونوسیت‌ها و سایر سلول‌های ما کرونازیک ایشمانیا ها
که افکسیت دارد و ازین می‌برند بطوریکه بپیچیده ایشمانیا هایی که در حال
ازدیداد باشند دیده نمی‌شود.

بر خلاف آنچه در مورد ایشمانیا کلاسیک دیده می‌شود که یک حالت تحلیل
و تطبیق بین سلول میزان و انگل ایجاد می‌گردد در اینجا آزمایش‌های میکروسکوپی
دفان نسجی سیار شدیدی را برای ازیبی نقد انگل نشان داده است. بطوریکه
وجود ایشمانیا سالم خلیل کم‌بوده و برای یک چشم و رزیده حداکثر ۱ دقیقه وقت
لازم است که نوع مشخص آنرا ایجاد کندکه بیشتر آنها لیژ یافته و فقط بلافاصله
وهسته‌های آنها بدون پرتوپلاسم باقی می‌مانند.
گفتگوی

ما توانسته ایم با یک گروه‌های غیر زخمی و از ترشحات حاصله از زخم‌ها در
۰ یی‌میلی‌گرم قطب طریقه مخصوص N.N.N. پنی سیلین‌دار (۰۵) تا یک هزار واحد پنی سیلین C گیاهی نام‌گذاری که بکار رفته، تعداد آزمایشگاه انگلیسی که قبل از اشکال‌های انتهایی است بان ۲-۰ میلی‌گرم و یتامین C اضافه نموده بودیم. در ۱۰ مورد که ۰ لوله کشت بکار برده، فقط یک سری (C) و نزدیک سری دوم لوله که باترشحات ندولهای لنفاوی کشت شده‌بود و در کولتور هایی بعدی منفی گردید و بالاخره سوسیل دیگری (سوش Z) از کشت اعضا له شده موشی که بوسیله مواد حاصله از بزرگ لنولهای لنفاوی یکی از یی‌میلی‌گرم تلقیح شده‌بود

در آغاز تغییراتی سوسیلی و از مواد انسانی به‌دست آمده‌است بسیار مشکل و خیلی خیلی بی‌بستری از دیدگاه پیش‌بی‌پیش و در روی میجی‌های کشت بی‌دغدغه رشد و نو

نی نمود ولی بر عکس در کشت سوسیل Z یک از مواد لیشمانی‌زین بست‌آمده

بود و بمقادار زیادی لیپوتوماس وجود داشت و کشت همای بعده آن نیز بسیاری

مثبت‌بوده‌است.

فلسفه بحورات

کبای و خرگوش و قارون و دوموش و اسلات و ترشحات زخم‌ها و ندولهای لنفاوی

تلقیح نموده‌که، کبای و خرگوش هیچ عفونتی بی‌مانکند و دوماه پس از تلقیح هم که

کشت‌شده از لحاظ کالبدی‌گشایی و آزمایش‌های دیگرین و کشت مواده‌شده اعضا

نیز منفی بودند ولی دوموش سفید (۲) که از راه پرده و از زبان تلقیح شده بودند

بر عکس تمام علائم لیثمانی‌زی بجای را به‌حال نمو می‌که شرح این در جای دیگر

داده شده است.

1 - rat
2 - Souris
بطوریکه ۴۴ روز بعد از تلقیح موش اولیه یک تومر بهداکنده ودر برل دارای تعداد بسیار زیادی لیشمانیا ترووبیکا بود. این موش ۶۹ روز بعد از تلقیح مرد و در کالبد گشایی زخم‌های مشخص پوشت بیشی، باکی و آژینلاست و تومر بیش دیده می‌شد. طالع کمی برگ شده و کبید و گدد لنفاوی سالم بودند و مقدار زیادی لیشمانیا نیز درفرتی زخم اسکرتوپ و کبید وطحال و گدد لنفاوی و مغز استخوان وجود داشت.

در موش ورم تومر بیش از ۷۳ روز پس از تلقیح تولید گردید و ۸۹ روز بعد از تلقیح که از آن بل کردن دارای لیشمانیا بود و از کشت محصول بل همین موش است که سوسیا جدای گردیده است. این موش صورت جهاری گردید و روز پس از تلقیح مرد ودر کالبد گشایی دارای همان علائم موش قبل بود و اضافه به آن عظم گدد لنفاوی و همان‌طوری نمونه لوب تحتانی دیگر است و وجود داشت و تعداد بسیار زیادی لیشمانیا درزخم بیش و طحال وریه و کبید و کلبه و گانگلیون‌های کشاله ران وایلیک و مغز استخوان دیده می‌شد ولی در خون وجود نداشت.

برای مطالعه حساسیت هیجانات مختلف سوسیا Z و C و نیز به‌دست‌آورده اعضاء موش های مثبت به پرندگان و حنشی مانند موریون، شاپی تریسترامی و لیپیگوس آریترو روس و میکروتوس و کریستولوس می‌گرانتوریوس و موش موسکوس ال (۱) موش های سفید تلقیح شده است که هنوز تحت آزمایش بوده و نتایج حاصله در آن‌بند منشش خواهند گردید.

و گیوش یافدن صریح

برای مشاهده آگلوتیناسیون ولی‌با استفاده از سوش دیگری بنام سوش O ۱— Meriones shawi tristramis, M. lylycus erythrourus, Microtus Sp. et cricetulus migrotoriuse, mus nusculus.
نامه دانشکده زرتشتی
سالنهم

با عمل آوردن و همچنین با اجرای خون خرگوش ضد سوته و استفاده از سوته و Z و واکنش سری انجام دادیم. برای سرو راکسیون دریک اوله هموئیزه/C.C. سرموه/سانتیمترمکب آب کننداسیون کشته که در هر میلیمترمکب 0.00001 لپتوناس داشته اضافه کرده و بوسیله آزمایش میکروسکوپی معلوم گردید که آگلوتیناسیون پس از نیم ساعت شروع و لیز ناقد بس از سه ربع ساعت و لیز کامل بعد از 3 ساعت حاصل شد. نزد مريض دوم پنداز 2 ساعت هنوز

چندر لپتوناس زنده دیده میشد.

با بکار بردن 3 مورد سرم خرگوش ضد سوته و رابه نسبت از یکدم نتایج پنجاه آگلوتینه مینیوود با هرند نسبت سوته و Z آگلوتینه شده.

عمل حرکت کامل لیزمانیا بدون اینکه لیز تولید شود بدست آمد. گواینده با این آزمایش ها فعلاً نیتوانی اظهار نظری بکنیم ولی در امتحاناتی که قبل در حاصل سالک مشخص عمل آورده ایم علوم گردیده که آگلوتیناسیون دارای ارزش مطلقی نبوده و فقط در 0.4/ دارندگان سالک (در حال پیشروی) برای تحقیق اینکه آیا تصویت دویرفی بین این دو شکل لیزمانیوز جلدی وجود دارد یافته.

ما هردو از کشت زنده (سوته C) بساق با چپ خود تلقیح نمودیم. با وجودی که هردو بتریپ 0.003 ساعت قبل سالک مبتلاشده بودیم مبهم در یک زمان متفرقین بیش از 4 ساعت در محل تلقیح بابول اریتماتوئی بانندوز، یک دهشته‌ای با محتوی متواد تولید گردید و عصر آن نیز دیگر ارز مختصات با تب 38 درجه و سر درد و خستگی گردیدیم این حالات 24 ساعت طول کشید و پس از سه روز گانگلیون های کشاله ران چپ نیز در دنک و بزرگ شد و بعد از شروع روز به بعد یافته ویلی بابول و ورم ع روز ادامه داشت سبب از وسط شروع پنکرز کرده و محیط آن متورم و نفیس رنگ به حکم کارد گردید روز نهم تصویر در استان
تشکیل گردید در حالی که در اطراف حلما زخمی آنرا فرا گرفت. بود فرطره قاتل باعث این شد که نوجوان، بعد از تلقیح زخم، مزبور، کاملاً از بین رفت و فقط کیفیت محل منتقل
کمی به ماهیت قهوه‌ای رنگی باقی گذاشت. در هر حال بدن اینکه از این آزمایش‌ها نتیجه قطعی حاصل نماید باید بگویم که در بیش از یک ماه گذشته که اینجا با یک شبکه دیگر به لیشمیوز قبلاً پیدا و رطوبه (2) که بوشیله آدیار و زو کرمان (3) نیز ذکر شده است ظاهر گردید.

بنابراین معلوم می‌شود که درویشان علائم بیماری دیگری به شکل مرطوب یا بنا بر نام‌گذاری مصنفین روسی (سیتو اوسران) (4) وجود دارد.

این شکل آخر یک بیماری مشخص کلاسیک بوده و دارای خواص بالینی و میولی یکپارچه مخصوص به لیشمیازا در آزار های آن بسیار کم و در بقیه نوکاتنها خیلی زیاد می‌باشد لذا این نوع لیشمیاز شایسته آنست که دارای نام خاصی گردند چه نامهای و شکل مرطوب و یا سیتو او اسرائیل که مصنفین بجای اسامی محلی زخم کونادی (5) و عشق آبادی (6) در نظر گرفته‌اند که درخواستی در اسکس نیست زیرا ما مشاهده کردیم که اشکال خشک می‌تواند با اساسی شکل زخم‌های مرطوب در آیت و برعکس دیده شده که آزار های مخصوص بشکل مرطوب می‌باشد است خشک و ایمپلاکس باند و ایجاد در ورم زخمی ایجاد به‌نیایید با وجودیکه اسم سیتو او اسرائیل کوژونیکو علمی ترمیماری مهندس ایام خواست آنرا بیشان نمی‌کند و فقط صفات زخم و مشی آنها توشیش می‌باشد.

بر حسب تجارب لاتیشیون (7) و کوژونیکو (8) که در نواحی نزدیک کر گان بعمل

1 - Kojeonikov  2 - Arthus  3 - Adler et Zuckermen
4 - Citoulcerans  5 - Konadienne  6 - Asghabadienn
7 - Latyshev  8 - Kriuska
آمده م.م. جوندگان آن نواحی دارایی لیشمانیا میباشند بنابراین این شکل یمامی در نجوندگان وجود داشته و از آنها بانسان سرایت میکنند و مخفی و بروز در برای انسان بشر به میروند.

عمولاً لیشمانیوز جلولی فلات ایران (مگر بطور نادر) آزار های شدیدی تولید نکرده و عمومی نمیشود. واگر گاهی دارای آزار های متعده و مجوز از یکدیگر گفته باشد هر کدام در نتیجه یک دیگر گریز ها یا گشته جدایی و گردیده است. بعبارت دیگر این شکل در طی سال های متمادی با بدن انسانی عادت نموده است.

ولی شکل ثانوی برعکس قبل از راه لنفاوی عمومی شده و تولید آزار های ثانوی میکنند و بنظر میرسد که هندوستان در مقابل این یمامی که با وقوع نداشت و جوندگان با میرسد میتوانند بطور کامل دفاع نماید.

**Bibliographie**


5. Kojevnekov (P.) — 1er conference sur la leishmanise cutanee à Achkabad, 1940.

6. Latishev, Conférence sur la leichmanios cutanée à Askhabad, 1940.